

نقش بازی در رشد هوش کودکان

ماهان عطشان

دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان

mahanatshan@gmail.com

مهران خدابخشی

کارشناس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان

Khodabakhshi.mehran@yahoo.com

حسین ونایی

دانشجوی کارشناسی الهیات دانشگاه فرهنگیان همدان

Khodabakhshi.mehran@yahoo.com

چکیده:

کودک، می تواند با عاریت گرفتن اسباب بازی ها و بازی های خودساخته دنیای خویش را بسازد. کودک می تواند جهان خویش را پر از خویشاوندانی سازد که ساخته و پرداخته ی ذهن خود وی هستند. او می تواند هر چیزی را برگزیند و یا آن را کنار بگذارد. کودک هم چنین قدرت دارد تا بر دامنه ی احساسات و انگیزه های درونی اش، کوهی را برپا دارد و به سلامت بر قله ی آن، صعود کند. کودک از طریق بازی با انواع اسباب بازی ها، موفق به شناخت شکل ها، رنگ ها، اندازه ها، جنس اشیا و اهمیت آن ها می شود و از بازی ها و ورزش ها، مهارت به دست می آورد. با اکتشاف و جمع آوری اشیا، اطلاعاتی را کسب می کند که نمی تواند در کتاب های درسی پیدا کند. احساسات، بازخوردها و افکار متلاطم شده اش آشکار شده، پیچ و تاب می خورد و در پایان به آرامی برجای خود می نشیند. در مقاله حاضر سعی شده است که با روشی فراتحلیلی مقوله بازی و تاثیر آن بر کودکان را مورد بررسی و واکاوی عمیق قرار دهد.

کلمات کلیدی: بازی ، هوش ، رشد کودکان



Third Global Conference on

10 Nov 2016



Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

Abstract:

Children can borrow toys and games to build their self-made world. Children can fill their world from relatives that he is a figment of your mind. He can choose anything or leave it. Children through games with a variety of toys, fail to recognize shapes, colors, sizes, sex objects and their significance and from games and sports, to acquire skills. To explore and collect artifacts, gain information that can not be found in textbooks. Feelings, attitudes, and his thoughts bubbling been revealed, was flapping gently behind .her and sits down at the end

مقدمه

بازی، سیستم عضلانی و رشد حسی و حرکتی کودک را تقویت می کند و به این طریق بر هوش کودک تاثیر فراوانی دارد و با بازی کردن، دقت کودک در انجام کارها افزایش می یابد. از دیگر تاثیرات مهم بازی در دوران کودکی را رشد عاطفی و ایجاد احساس شادی و نشاط در کودک دانسته و گفته: بازی سالم می تواند عواطف منفی از قبیل ترس، اضطراب، نفرت و افسردگی را به شدت در کودک کاهش دهد. به همین جهت امروزه مهمترین روش برای درمان اختلالات روانی و عاطفی کودکان، بازی درمانی است که حتی موجب درمان بسیاری از اختلالات روانی در بزرگسالان نیز می شود. با این وجود بهترین روش برای درمان اختلال روانی در بزرگسالان بازی های متناسب با سن آنهاست. بازی های سالم و متناسب با کودکان می تواند به علت دست کاری در پدیده ها و آزمایش محیط اطراف توسط کودک افزایش رشد عقلانی وی را در پی داشته باشد؛ چرا که حس کنجکاوای کودک از این طریق برآورده شده و مناسب ترین عمل رشد عقلی کودک است. بازی باعث تقویت رشد اجتماعی کودکان می شود؛ چرا که کودکان با تمرین زندگی آینده از طریق بازی و فراگیری روابط انسانی و اجتماعی و همکاری در گروه های بازی می توانند رشد اجتماعی داشته باشند همان گونه که نیاز عاطفی آنها از محبت و امنیت از این طریق برآورده می شود. رشد اخلاقی و معنوی به صورت پایبندی به نظم و مقررات، رعایت حقوق دیگران، کمک به دیگران، خیرخواهی و لذت بردن از خدمت به دیگران از دیگر تاثیرات بازی در کودکان است. به عبارت دیگر مهمترین عامل تربیتی و پرورشی در همه زمینه ها به ویژه در زمینه تامین بهداشت روانی کودک، بازی است. با توجه به این که دوران کودکی مهمترین دوره زندگی است؛ لذا والدینی که در اندیشه پرورش فرزندان دارای شخصیت سالم، نیرومند و متعادل هستند باید بطور جدی در فکر فراهم کردن زمینه مناسب برای زندگی کودکان خود باشند و هر پدر و مادری باید یک ساعت از وقت خود را در هر روز به کودک خود اختصاص دهد و زمینه بازی های گروهی را نیز فراهم کند؛ چرا که از سنین ۶ سالگی به بالا بازی های گروهی نیز باید بیشتر مورد توجه باشد. و حضور والدین را در این بازی ها مهم می دانند در حالیکه با افزایش سن کودک، بازی ها به شکل گروهی، قاعده دار و همراه با نظم و احترام به حقوق دیگران انجام می شوند. خیلی از آموزش های تربیتی را میتوان در خلال بازیها به بچه ها نشان داد و به راحتی مسیر کودک را به سوی مسیر درست تربیت راهنمایی کرد. عده ای معتقدند، همان لحظه که فرزندشان بازی با همسالان را شروع میکند، رشد روانی، اجتماعی و قدرت ارتباط بادیگران را در خود دوچندان میکند.

روش پژوهش:

در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی برای بیان ضرورت نقش بازی در رشد کودکان استفاده شده است. واز منابع مرتبط با هوش، بازی کودکان و در جهت راهکارهای تقویت مثبت بهره گرفته شده است. در ابتدا به بررسی انواع بازی، ماهیت آن و تاثیرات آن پرداخته ایم و راهکارهای تقویت و محرومیت از آنرا بیان کرده ایم.

تعریف بازی

با توجه به فرهنگ فارسی معین، فرهنگ عمید، لغتنامه دهخدا و فرهنگ فارسی رازی، واژگان مشترکی مقابل کلمه بازی قرار گرفته اند که عبارتند از: مشغولیتی تفریحی و سرگرمی، ورزش، به شوخی گرفتن، فعالیت و تمرین، آزادی یا محدوده ای برای حرکت و ...

بازی عبارت است از هرگونه فعالیت جسمی یا ذهنی هدفدار، که به صورت فردی یا گروهی انجام شود و موجب کسب لذت و برآورده شدن نیازهای کودک گردد.

همان طور که جانوران ضمن بازی کردن به تمرین غریزه های خاصی چون شکار و پیکار می پردازند، کودک نیز با بازی کردن توانایی های خود را به آزمایش می گذارد و غرایز اجتماعی خود را تقویت می کند. بازی توانایی های کودک را بکار می اندازد و خلاقیت را به همراه می آورد. کودکان ضمن لذت از بازی، هم چون بزرگسالان به آن نگاه نمی کنند. زیرا بازی جزئی از زندگی کودک و از ضروریات مسلم رشد اوست که با تولد آغاز می شود.

کودکان نقاط قوت و ضعف خود را از طریق بازی نشان می‌دهند، از جمله تمایل دوستانه یا خصمانه، افسردگی یا شادی، امیال و آرزوها. کودکان به بازی‌های متفاوتی می‌پردازند که هر کدام از بازی‌ها نشان دهنده‌ی یکی از احساسات آنها می‌باشد. کودکان برای بیان رفتارهای پرخاشگرانه خود، به بازی‌هایی می‌پردازند، که در آن بتوانند با حمله و تخریب پدیده‌های عادی و معنوی راهی برای بروز خشم خود پیدا کنند. هم چنین برای بیان آرزوها و امیال خود، به رویا و تخیل می‌پردازند و برای رسیدن به هر آنچه که آرزو دارند، خود را با بازی‌های تخیلی سرگرم می‌کنند و سرانجام برای ساختن و پیدا کردن نقش مورد علاقه خود به بازی‌های تقلیدی می‌پردازند.

کودک هنگام بازی کردن می‌تواند کشف کند چه کسی است و چه توانایی‌هایی دارد، دنیا چیست و چگونه خود را باید با محیط هماهنگ کند. به راستی بازی می‌تواند به کودک اعتماد به نفس دهد؟ بازی کردن بچه‌ها راهی است به سوی شکل‌گیری شخصیتی سالم و مفید. در نتیجه برای این که کودک در آینده، زندگی خوب و بالنده‌ای داشته باشد فرآیند بازی بسیار ضروری است. بازی محرکی است که بر رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، عقلانی و فیزیکی یا جسمانی کودک تاثیر بسزایی می‌گذارد.

اهمیت و ضرورت بازی برای کودکان

مهم‌ترین مشغولیت کودک در زندگی بازی است. کودک در جریان بازی و در یک زمان، پرورش فکری و عاطفی، جسمی و اجتماعی می‌یابد و آنچه او از طریق بازی بدست می‌آورد به طور مثبت کسب می‌کند. زیرا اساس آن تجربه است. این تجربه‌ای است که از طریق عضلات و حواس خود کودک، به دست آمده است. بازی یکی از مهمترین موضوعات تربیتی است که بسیار مورد توجه روان‌شناسان و علمای تعلیم و تربیت قرار گرفته است. تحقیقات جدید نشان داده است که بازی تاثیر بسیاری در رشد بدنی و ذهنی کودکان دارد. بدن تنها وسیله‌ای است که کودک بوسیله آن می‌تواند جهان خارج را توسط حواس مختلف درک کند. هر آنچه کودک شما از بازی بدست می‌آورد، به طور مثبت کسب می‌کند. پس نگران بازی‌های فرزند خود نباشید.

بازی وسیله طبیعی کودک برای بیان و اظهار «خود» است. آلفرد آدلر روان‌شناس معروف می‌گوید که «هرگز نباید به بازی‌ها به عنوان روشی برای وقت کشی نگاه کرد». کاینست اظهار می‌دارد که بازی کردن برای کودک مساوی است با صحبت کردن برای یک بزرگسال. بازی و اسباب بازی، کلمات کودکان هستند». بازی، روش طبیعی شرکت کودکان در فعالیت‌هایی است که سرانجام سبب کسب مهارت و ورزیدگی برای مقابله با مشکلات زندگی می‌شود. کودکان از طریق بازی احساسات، ناکامی‌ها و اضطراب‌های خود را بیان می‌دارد. همه کودکان فارغ از رنگ پوست و مو یا تعلق به نژاد و قوم خاص در هر کجای دنیا که باشند بازی می‌کنند فعالیت بازی در واقع تلاش کودک برای کنار آمدن با محیط است که از این طریق او خود را می‌یابد و دنیا را درک می‌کند.

ملاک‌های بازی

۱- انعطاف پذیری: ساختار کلی بازی‌ها از نظر شکل، فرم و محتوا باید قابلیت انعطاف داشته و کودک به آسانی بتواند بازی خود را از جهات گوناگون تغییر داده و به بازی ادامه دهد. مثلاً کودکی با قطعات ساختمان سازی مشغول ساختن یک پل یا خانه است، در همان لحظه کودک با گذاشتن دو یا سه قطعه بر روی هم، این تصور در ذهنش می‌آید که تفنگ ساخته است و مشغول تیراندازی می‌شود.

۲- تأثیر مثبت: در هر بازی، عنصر خوشی و لذت ناشی از آن وجود دارد. این لذت تا به آن حد است که ادامه بازی را تضمین می‌کند و چنانچه کودک از بازی لذت نبرد یقیناً نوع بازی را تغییر می‌دهد.

۳- غیر کلامی: کودک در طی بازی با استفاده از رفتارهای نمایشی به بازی خود وسعت می‌دهد و از مجموعه رفتارهای خود و اعمالی که هر لحظه انجام می‌دهد استفاده می‌کند.

۴- انگیزه درونی: اگر بازی تحت قواعد و شرایط خاصی صورت گیرد دیگر بازی نیست. بنابراین در بازی واقعی، جایی برای اجبار و قانون وجود ندارد و آنچه سبب ادامه بازی می‌شود، انگیزه‌ی درونی بازی است.



انواع بازی‌ها

بازی‌های تخیلی

بازی‌های تخیلی ریشه در خلاقیت کودک دارند. تخیل کودک به مرور و همگام با رشد ذهنی او از مرحله بازی‌ها خارج شده و به صحنه‌ی داستان‌ها و گفتارهای کودک کشانده می‌شود. نظریه پردازان معتقدند رشد تخیل کودک در هنگام کودکی و از طریق بازی باعث می‌گردد تا در زندگی بزرگسالی این کودکان تبدیل به هنرمندان، نویسندگان، نقاشان و کاشفان بزرگ گردند. مثلاً در تخیلات کودک، خرس عروسکی زنده می‌شود و با او سخن می‌گوید همان طور که قوه درک کودک قوی‌تر می‌شود، بهتر می‌تواند با استفاده از تخیلاتش به خیال‌پردازی بپردازد. بازی تخیلی به کودک کمک می‌کند تا بفهمد چه چیزی واقعی است و چه چیزی واقعی نیست. چه چیزی با تخیل قابل تغییر و چه چیزی قابل تغییر نیست. کودک درمی‌یابد نمی‌تواند کاملاً همه امور را تغییر دهد و همه چیز را دست کاری کند. پس او متوجه می‌شود که دنیای واقعی را نمی‌تواند کاملاً تغییر دهد.

بازی‌های نمادین

بازی‌های نمادین نقطه‌ی اوج بازی‌های کودکان است که از حدود ۱/۵ یا ۲ سالگی آغاز می‌شود و در ۵ و ۶ سالگی به کمال خود می‌رسد، تا ۸ و ۹ سالگی نیز ادامه می‌یابد. در واقع بازی نمادین زمانی آغاز می‌شود که کودک به تدریج زبان می‌گشاید و توانایی کاربرد علائم و نمادهای زبان را دارد. بازی‌های نمادین به کودک اجازه می‌دهند تا واقعیات را تغییر دهد. توانایی کودک در بازی نمادین، نشانه‌ی نقطه عطفی در رشد شناختی اوست، چرا که به تدریج ذهن او قدرت شکافتن ظاهر از واقعیت را پیدا می‌کند. مثلاً کودک ممکن است بطری شیرش را بجای اینکه در دهان خود بگذارد، در دهان عروسکش بگذارد و یا ممکن است تلفن اسباب بازی را جلوی گوش عروسکش بگذارد.

در بازی نمادین واقعیت‌ها تغییر شکل می‌دهند، اشیایی که وجود ندارند به وسیله اشیای دیگر به نمایش در می‌آیند. مثلاً کودک چوب را برمی‌دارد بر آن سوار می‌شود و وانمود می‌کند بر اسبی سوار شده است.

بازی‌های تقلیدی

کودک در هر دوره‌ای دست به بازی‌های تقلیدی می‌زند. کودک در آغاز به تقلید نقش دوستان، والدین، خواهران، برادران و کلاً نزدیکان می‌پردازد و از ایفای نقش آنها بزرگترین لذت و تجربه را به دست می‌آورد. در دوران دبستان بیشتر نقش مربیان و معلمان را ایفا می‌کند و هنگامی که به سن نوجوانی نزدیک می‌شود، الگوی رفتاری او نیز تغییر می‌یابد. در واقع از این زمان به بعد تقلید نقش از طرف کودک دیگر به عنوان بازی نیست، بلکه آغازی است برای چگونگی هم‌خوانی با گروه‌های اجتماعی و ایفای نقش واقعی زندگی.

بازی‌های نمایشی

مهم‌ترین بازی که در آن احساسات، نیازها و عواطف کودکان می‌توانند بروز و ظهور پیدا کنند، بازی نمایشی است. بازی نمایشی می‌تواند کمک کند تا کودک از خود محوری بیرون آید و متوجه محیط بیرون از خود شود و هم چنین به کودک فرصت می‌دهد تا شخصیت درونی خود را آشکار کند. اگر چه بازی‌های نمایشی و تقلیدی با هم مشترک‌اند، اما در بازی تقلیدی کودک سعی به تقلید نقش دارد، در حالی که در بازی نمایشی کودک علاوه بر تقلید نقش، انتظار خود را از آن نقش بیان می‌کند. بعضی از کودکان ترجیح می‌دهند به کمک اسباب بازی‌ها صحنه‌ای ایجاد کنند که خودشان نقش کسی را بازی کنند، مثل نقش دکتر یا معلم.

بازیهای جسمی:

بازیهای جسمی از قدیمی ترین انواع بازیها هستند. کودک برای خارج ساختن نیروی (انرژی) اضافی بدن خود و یا رهایی از خمودگی و خستگی، اوقاتی را به بازیهای جسمی اختصاص می دهد. از مشخصات این بازی، نیاز به محیط مخصوص بازی و توان جسمی کودک در اجرای بازی است. بازیهای جسمی می توانند هم به صورت گروهی و هم به صورت انفرادی و یا ترکیبی از هر دوی آنها انجام شوند.

بازیهای آموزشی:

بازیهای آموزشی، برای تقویت، رشد قوای حسی و ذهنی کودک می باشد. آنچه در بازیهای آموزشی مد نظر است، چگونگی استفاده از بازیها و تاثیر آن بر رشد قوای حسی حرکتی کودک از طریق تمرین با وسایل بازی است. از جمله بازیهای آموزشی می توان از بازیهای دستی مثل پازل نام برد. نظارت مربیان و والدین در بازیهای آموزشی بسیار با اهمیت و حساس است؛ اما میزان این نظارت باید تا حدی محدود باشد. با این که هدف از انجام بازیهای آموزشی، بیشتر آموزش است تا بازی، اما جنبه بازی گونه بودن آن باید حفظ شود. باید سعی شود کنترل اصلی در اختیار کودک بوده و جهت و مسیر آن را خود کودک تعیین کند، تنها هنر مربی یا والدین، هدایت مسیر بازی آن هم به صورت غیرمستقیم و غیرتحمیلی می باشد.

معیارهای بازی چیست؟

پیاژه، روان شناس معروف سوئیسی، برای تمیز و تشخیص بازی از کار، پنج معیار را به عنوان شاخص های بازی معرفی می کند:

۱. بازی دارای هدف در خود است.
۲. بازی اختیاری است، نه اجباری.
۳. بازی دلپذیر و خوشایند است.
۴. بازی ترتیب و سازمانی ندارد.
۵. بازی از قید کشاکش و پرخاش آزاد است.

به هر حال این که کار همان بازی است یا بازی به عنوان کار محسوب می شود به بسیاری از عوامل مربوط است که در ذیل به صورت مشروح بدان می پردازیم.

عوامل مؤثر در بازی کودکان

عوامل متعددی در بازی کودکان تأثیر دارد که مهمترین آنها عبارتند از: سن، جنس و محیط.

تأثیر سن

کودک در هر سنی، بازی ویژه ای را می پسندد. مثلاً او در همان روزهای نخست تولد، به لگد زدن و حرکت دادن دستها علاقه دارد. او از اینکه از دهان صدا خارج کند و لبها را به حرکت درآورد لذت می برد. کمی که بزرگتر می شود، اطرافیان با او بازی می کنند. مثلاً صورت خود را با دستانش می پوشاند و سپس آنها را برمی دارد و می گوید «دالی» که این کار موجب شادمانی و لذت کودک می شود. کودک خردسال (در سن ۲ سالگی) بیشتر به بازی انفرادی نیاز دارد، که بعداً با بازیهای موازی دنبال می شود. یعنی دو کودک در کنار هم و نه با یکدیگر به بازی می پردازند. آنان ممکن است که از یک وسیله نیز استفاده کنند، ولی مستقل از یکدیگر و بدون ارتباط زیاد با هم، به کار و بازی بپردازند.

کودکان در حدود ۳ و ۴ سالگی، به مرور از رفتار کاملاً انفرادی در بازی، به بازی اجتماعی متمایل می‌شوند. یعنی آنان با کودکان دیگر بازی می‌کنند و می‌توانند وسایل خود را، تا اندازه‌ای معین، به دیگران بدهند و با آنان شریک شوند و از بودن در گروه و همکاری با گروه لذت می‌برند و زمانی که کودکان دیگری تماشاگر بازی باشند برای آنان لذت بخش تر است.

کودک در این مرحله از بازی‌های بزرگترها تقلید می‌کند و گاهی نیز از خود قوانینی می‌سازد در سن ۴ تا ۶ سالگی کودک بیشتر به بازی اشتراکی روی می‌آورد، یعنی در موقعیت‌های گروهی که هدف مشترکی را دنبال می‌کنند، به بازی گروهی می‌پردازد.

بهترین تقسیم‌بندی بازی‌های کودکان توسط ژان پیاژه روانشناس معروف کودک صورت گرفته است. او بازی‌ها را به ۳ دسته کلی تقسیم می‌کند:

۱- بازی‌های تمرینی (از بدو تولد تا ۲ سالگی): پیاژه در بیان چگونگی بازی‌های تمرینی، بازی را وسیله‌ای برای لذت بردن از حواس می‌داند، زیرا کودک لمس کردن، چشیدن، گوش کردن، حرکت اعضای بدن و احساس کیفیت اشیاء مختلف را از راه بکارگیری حواس می‌آموزد و این امر سبب لذت بردن او می‌شود.

۲- بازی‌های رمزی (از ۲ تا ۷ سالگی):

این بازی‌ها زمانی آغاز می‌شود که ساختمان ذهنی کودک به اندازه‌ای از رشد رسیده که می‌تواند در غیاب اشیاء آنها را مجسم کند.

۳- بازی‌های قاعده‌دار (از ۷ تا ۱۱ سالگی):

بازی‌های تمرینی و رمزی، در نهایت به بازی‌های قاعده‌دار تبدیل می‌شوند. کودکان قبل از سن مدرسه بازی‌های قاعده‌دار ساده را انجام می‌دهند.

تأثیر جنسیت بر بازی کودکان

جنسیت یکی از عوامل مؤثر در بازی است و از این رو می‌توان گفت که بازی پسرها با دخترها تفاوت دارد. در تفاوت میان بازی دختران و پسران عمده‌ترین عوامل عبارت است از:

الف- مربوط به طبیعت و فطرت کودک می‌شود. بعضی از دختران طبیعتاً به بعضی از بازی‌ها علاقه نشان می‌دهند و برخی از پسران به بازی‌های دیگر.

ب- انتظارات و توقعات والدین و جامعه از دختر و پسر نیز کم‌کم آنان را به سوی تفاوت میان بازی‌های دخترانه و پسرانه سوق می‌دهد.

بازی‌هایی که پسران بیشتر انتخاب می‌کنند و به آن علاقه دارند، عبارت است از: استفاده از ابزارها، تیراندازی، بادبادک بازی، دوچرخه سواری، تپله بازی، کشتی، مشت زنی، فوتبال، فرفره بازی، کامیون و ماشین بازی، دویدن و ... بازی‌های مورد علاقه دختران عبارت است از: عروسک بازی، طناب بازی، مهمان بازی، پذیرایی، تشکیل کلاس درس، بافندگی، رقص، خیاطی، فروشندگی، معما بازی و ... گفتنی است بازی‌هایی وجود دارد که هر دو جنس به آن علاقه مندند.

پسران بازی‌های توأم با فعالیت و پر تحرکی را که مستلزم صرف انرژی و مصرف نیروی بدنی، چابکی، مسابقه و رقابت است به انواع دیگر بازی ترجیح می‌دهند، در حالی که دختران معمولاً به بازی‌های ساکن‌تر و نیازمند تحرک کمتر و آرام علاقه دارند. این مطلب را تحقیقات دیگری نیز تأیید کرده است.



در دوران کودکی، میان بازی دختران و پسران تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود، ولی به محض این که سن ورود به دبستان فرا می‌رسد، اختلافات آشکارتر می‌شود و ارزش‌هایی که جامعه برای هر جنس قائل است، خود را در بازی‌ها نشان می‌دهد. در حدود هفت یا هشت سالگی، تفاوت‌های جنسی آشکارتر می‌شود. پسران بیشتر تمایل دارند با همدیگر بازی کنند و این امر در دختران نیز به چشم می‌خورد. پسران به جای بازی با دختران، آنان را آزار می‌دهند و مسخره می‌کنند. اگر پسری با گروهی از دختران بازی کند، دیگر پسران او را مسخره می‌کنند.

تاثیر محیط بر بازی کودکان

تأثیر محیط بر بازی کودک را از دو دیدگاه می‌توان بررسی کرد:

- غنا بخشیدن به محرکاتی که کودک با آنها بازی می‌کند.
- تفاوت بازی‌های کودک در محیط‌های مختلف از نظر جغرافیایی.

برخی از روان‌شناسان تنوع محرکات را مهمترین عامل محیطی در رشد هوش می‌دانند. کودک هر اندازه بیشتر ببیند، بشنود، لمس کند و از حواس خود بهره بگیرد در سال‌های بعدی زندگی به دیدن، شنیدن، لمس کردن و استفاده از دیگر حواس خود علاقه بیشتری نشان خواهد داد. البته باید توانایی‌ها و محدودیت‌های فکری کودک را شناخت و کیفیت و کمیت محرک‌ها را با آن تطبیق داد؛ یعنی محرک‌های محیطی باید بجا و به اندازه باشند؛ وگرنه نه تنها اثر مثبتی ندارند، بلکه ممکن است سبب اغتشاش فکری و اختلال در یادگیری کودک شوند. کمبود محرک‌های لازم برای رشد، به رشد ناکافی سلسله اعصاب مرکزی و به ویژه مغز منجر می‌شود؛ در نتیجه، شخص از نظر هوش که عملکرد مغز به خصوص قشر مغز است، رشد کافی نمی‌کند.

همانطور که وجود نور برای رشد و تکامل چشم لازم است و اگر انسان در خردسالی از نور محروم باشد در آینده، حتی با وجود چشم سالم، فاقد حس بینایی است؛ کودک باید دنیای اطراف خود را بشناسد، مثلاً انسان‌ها، حیوانات و اجسام را ببیند، اشیا را لمس کند، صداها را بشنود. کودک باید امکان تجربه رفتارهای گوناگون را داشته باشد. از این رو تأکید می‌شود که تنوع و تحرکات محیطی برای افزایش فراهم سازید و اسباب بازی‌های مختلفی بخرید تا هر چه بیشتر به پرورش حواس او کمک کند. یعنی هر اندازه بیشتر ببیند، بشنود، لمس کند، گفت و گو کند در واقع به رشد عقلانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، روانی او کمک می‌شود.

در مناطق محروم، به این دلیل که افراد توانایی اقتصادی زیادی برای خرید وسایل و اسباب بازی برای کودکان ندارد، آن دسته از بازی‌های سنتی را که نیاز چندانی به آلات و اسباب ندارد به کودکان خود می‌آموزند. در این جوامع، کودکان یاد می‌گیرند که برای خود اسباب بازی بسازند. این تولید و سازندگی نیز گونه‌ای بازی و فعالیت دلچسب برای این قبیل کودکان به شمار می‌آیند.

فواید بازی برای کودکان

بازی، هر گونه فعالیت جسمی یا ذهنی هدف داری است که به صورت گروهی یا فردی انجام می‌شود و موجب کسب لذت و ارضای نیازهای کودک می‌شود. بازی، پاسخی برای رشد و تکامل استعدادها، قابلیت‌ها، توانایی‌ها و نیازهای ابتدایی و مقدماتی کودک است. بازی، ابزار تفکر کودک، وسیله‌ای برای سازندگی و آموزش، منشأ تکامل رشد جسمی و ذهنی و وسیله‌ای ارضای حس کنجکاوی او است. کودک به وسیله‌ی بازی نیازهای خود را برآورده و عواطف خود را تحت کنترل در می‌آورد. بازی، آثار بسیار مثبت در کودکان دارد که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

بازی و مصرف انرژی اضافی: کودکانی که انرژی کم تری دارند، میل کم تری به بازی از خود نشان می‌دهند. بازیگوشی در کودکان، نشان عقل و استقامت آن‌ها در هنگام بزرگ سالی است و جای هیچ گونه نگرانی نیست.

بازی و یادگیری کنترل اعضای گروه: بازی به کودک کمک می کند تا کنترل اعضای بدنش را در دست بگیرد؛ مهارت های بدنی خود را کامل کند و بین عضلات خود هماهنگی ایجاد کرده و حواس پنج گانه ی خود را تقویت کند. هنگامی که کودک با انگشتان خود بازی می ها آشنا می شود کند؛ در واقع با شیوه ی به کار بردن آن

بازی و غلبه بر خشم، ترس، حسادت و غم: ترس ها و حسادت های پنهان کودک، گاهی به صورت غول جلوه گر می شوند و او با جنگ و گریز بر آن ها پیروز می شود. گاهی کودک خود را به جای شخصیت شرور قصه می گذارد و هر بلایی که دوست داشته باشد سر بقیه می آورد.

بازی و پیش رفت تکلم کودک: از آن جا که در یک بازی تخیلی، قهرمان های مختلفی وجود دارند که با هم تبادل افکار می کنند، کودک با لهجه ها و لحن های مختلف صحبت می کند و این باعث می شود تا تکلم وی بهبود یابد

بازی و یادگیری رفتار با دیگران: کودک با بازی یاد می گیرد که چگونه با کودکان دیگر رفتار کند. کودکان ممکن است سر اسباب بازی شما نباید تا زمانی که کار خیلی بالا نگرفته دخالت کنید. بگذارید تا کودکان خودشان یاد بگیرند که برنده و بازنده ها با هم دعوا کنند ی خوبی باشند

بازی و سلامت روانی کودک: بچه هایی که به طور خشک تربیت شده اند، خیلی بیش تر عقده ی حقارت دارند؛ زیرا آن ها برای انجام کارهای صحیح تحت فشار بوده اند و از خواسته های شان جلوگیری شده است و همین مطلب باعث ناراحتی آنان می شود

بازی و تربیت اخلاقی: کودک، حق و باطل، گناه و ثواب را در خانه و مدرسه یاد می گیرد؛ ولی اجرای مقررات اخلاقی در آن ها به اندازه ی بازی، جدی نیست. کودک می داند که اگر بخواهد عضو پذیرفته و مورد توجه گروه باشد، باید باانصاف و مؤدب، درست کار، راستگو و خوددار باشد.

نقش اسباب بازی در زندگی کودکان

کودکان به کمک اسباب بازی ها به طور غیرمستقیم آموزش می بینند و دنیای تازه ای را برای خود می سازند. دنیایی که در آن اسباب بازی های ساده، خود را به راحتی در اختیار شخصیت های زاینده ی تخیل کودک می گذارند. اسباب بازی ها بایستی نیازهای اجتماعی، رشد کودک در جریان پنج سال اول زندگی، بیش از هر دوره ی سنی دیگر، به اسباب هوشی، عاطفی و جسمانی کودک را برآورده کند بازی هایی که در دست رس او قرار می گیرد، وابسته است. انجمن فروشندگان اسباب بازی بریتانیا هفت نوع بازی عمده که به رشد کودکان در زمینه های مختلف کمک می کند، مشخص کرده است.

بازی اکتشافی: وقتی که کودکان از محیط اطراف شان آگاه می شوند، به وسیله ی اسباب بازی هایی که حواس مختلف را تحریک می کند به کاوش و اکتشاف می پردازند

اسباب بازی هایی مثل دوچرخه و بازی هایی که با توپ بازی پرانرژی: کودکان با بازی، مهارت های جسمانی شان را پرورش می دهند انجام می شود، می تواند به این نوع بازی ها کمک کند

بازی سازنده: در این بازی کودکان کشف می کنند که چگونه اشیا با هم دیگر جور می شوند و می توان آن ها را به هم متصل کرد. قطعات و پازل ها برای بازی سازنده مناسب هستند.

بازی تقلیدی: این بازی فرایند مشاهده و سپس الگوبرداری از دیگران است و کمک می کند کودکان درباره ی رفتارهای اجتماعی بیاموزند. اسباب بازی هایی مثل: تلفن، وسایل پخت و پز و لباس های محلی، باعث تقویت بازی اجرای نقش می شود.



بازی اجتماعی: تعامل داشتن باعث رشد شناخت اجتماعی و مهارت های اجتماعی می شود. این بازی به وسیله ی اسباب بازی هایی که بیش از یک کودک می توانند با آن بازی کنند، تقویت می شود. به عنوان مثال، بازی های توپی گروهی، یا بادبادک هوا کردن.

بازی وانمودی: این بازی تخیل را به کار می اندازد و کودک را حاکم دنیای تخیلی اش می کند. در این بازی، کودکان از اسباب بازی های متنوعی استفاده می کنند.

بازی مهارتی: مهارت های ذهنی و جسمانی کودک را افزایش می دهد. اسباب بازی هایی مثل مجموعه ی وسایل ساختمانی و تکمیل کردنی که مستلزم توجه و تمرکز هستند، در این نوع بازی به کار گرفته می شوند.

نقش بازی در رشد کودک

تحقیقات بسیاری در زمینه ی اثرات بازی و ارزشمندی آن صورت گرفته است، که اغلب آنها تأکیدی است بر ارزش مثبت بازی در جنبه های گوناگون رشد کودکان، اعم از رشد جسمانی، روانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و شناختی.

بازی و رشد جسمانی

کودک از همان ماه های اول زندگی به حرکت دادن و باز و بسته کردن دست ها و پاها می پردازد. این حرکات هر چند اغلب، با هدف دستیابی به اشیاء صورت می گیرد، اما از همان ابتدا، لذت بازی گونه ای در آن وجود دارد. با افزایش سن، هماهنگی بیشتری بین حرکات به وجود می آید. ضمناً این نوع فعالیت ها، برای صرف انرژی کودک نیز مفید است و چنانچه والدین مانع از مصرف انرژی در کودک شوند و بازی را در او سرکوب کنند، عصبی شدن، بد خلقی، بی قراری از جمله واکنش های کودک خواهد بود.

بازی های جسمانی باعث می شود تا بافت ها و دستگاه های مختلف بدن از قبیل دستگاه گردش خون، تنفس، گوارش، بافت استخوانی، غدد داخلی، سیستم عصبی و بالاخره عضلات بدن رشد کنند. میزان هماهنگی در رشد، متناسب با فعالیت هایی است که کودک انجام می دهد، مثل هماهنگی چشم و دست. می توان گفت عضلات بزرگ از طریق فعالیت های جسمی مانند دویدن، پریدن، دوچرخه سواری و شنا قوی می شوند و عضلات کوچک از طریق فعالیت های حسی - حرکتی تقویت می شوند، مانند نوزادی که تلاش می کند جفجغه اش را بگیرد یا کودکی که برای نقاشی کردن و خط خطی کردن تلاش می کند.

بازی و رشد روانی

بازی کودکان وسیله ای طبیعی برای بیان خود است و موجب برانگیخته شدن کودک، از جهت افکار و تجربیاتش می شود. تأثیر بازی در رشد روانی کودک شاید به گونه ای واقع تر و شدیدتر از تأثیر آن بر رشد جسمانی اش باشد زیرا کودک تحت تأثیر تجربیاتی است که توسط والدین به او آموخته می شود. بازی می تواند سهم بسیار مثبتی در رشد روانی، هیجانی و اجتماعی کودک داشته باشد. بطور مثال: کنجکاوی شدید کودک می تواند از طریق بازی ارضاء شود. یکی از مهمترین خصلت های بازی، زنده نگاه داشتن و شاداب کردن روحیه است که غالباً تأثیرات بسیار مثبت در سلامت فکری کودک دارد. تأثیر دیگر بازی در این است که بالقوه می تواند برای احساسات پرخاشگرانه و دشمنی ها به گونه ای قابل قبول سازمان دهی شود، که نتایج مثبت داشته باشد. کودکی که از تولد فرزند دوم خانواده خوشحال نیست و چون نمی تواند ناخشنودیش را با واکنشی نسبت به فرزند جدید نشان دهد، عروسک خود را می زند و جالب آن که بعد خودش نیز گریه می کند.

به همین ترتیب کودکان می توانند ترس، شکست و کمبودهای خود را در بازی ها ابراز کنند و با ابراز آن بین خود و محیط خارج سازگاری ایجاد کنند. علاوه بر این گاه تکرار تجربه های مثبت عامل مهمی در راه کمک به کودک است تا بر احساس از دست دادن و رنج آن غلبه کند. مثلاً در بازی دالی موشک رمز غیبت و بازگشت مادر موجب خواهد شد که کودک به احساس ایمنی دست یابد.

بازی در ارضای نیازهای روانی کودک به او این فرصت را می‌دهد تا آزادانه از نیروی تخیل خود استفاده کند و مشتاقانه کارهای پدر و مادر خود را تقلید کند. با بازی در نقش هر چیز و هر کس که به نظرش جالب است، فرو می‌رود و وسیله‌ای ارزنده برای رشد فکری بدست می‌آورد.

بازی و رشد اجتماعی

محیط بازی کودکان مشابه یک اجتماع کوچک است، اجتماعی با قوانین و نقش‌های خاص خود. کودکان در این محیط و از طریق بازی‌ها با نقش‌های متعدد اجتماعی آشنا شده و افق‌های وسیعی در زمینه‌های گوناگون در برابر چشم آنها گشوده می‌شود. بازی به کودک این امکان را می‌دهد که نه تنها به خود بیندیشد، بلکه ارزش‌های دیگران را نیز به حساب آورده و از حالت خود محوری بیرون بیاید. زیرا کودک برای اولین بار از راه بازی دسته جمعی به ارزش‌های دیگر بچه‌ها پی می‌برد.

جنبه اجتماعی بازی یکی از مهمترین ابعاد بازی است، زیرا منشاء مفاهیمی چون مقررات و شرایط است. عواطف و احساسات کودک در حین بازی بیدار می‌شود و او را به سوی زندگی اجتماعی و قبول مسئولیت‌های زندگی سوق می‌دهد. کودک در بازی تمام توانایی‌های خود را به کار می‌گیرد تا با محیط اطرافش سازگار شود و جایگاه خود را در این میان پیدا کند. بازی مهمترین وسیله ارتباط کودک با دنیای اطرافش می‌باشد. پیدایش نیاز به همبازی در کودک، نشانه‌ی این است که کودک قواعد و قراردادهای ابتدایی زندگی از جمله مفهوم دیدن، شنیدن، اندازه، رنگ، تعداد لغات و جملات اساسی و چگونگی رفع نیازهای اولیه خود را آموخته است و احتیاج به برقراری و آموختن روابط پیچیده‌تری پیدا کرده است.

کمترین عملکرد اجتماعی بازی بر کودک را می‌توان در بازی‌های گروهی دانست. در این گونه بازی‌ها با نکاتی چون همکاری، تعاون، پذیرفتن مسئولیت‌ها، رعایت نظم و انضباط و رعایت نکات اخلاقی آشنا می‌شود.

بازی و رشد اخلاقی

ارزش‌های اخلاقی در کودکان چگونه رشد می‌کند؟ چگونه کودک می‌تواند خویشتنداری کند؟ کنترل اولیه رفتار کودک خردسال عمدتاً از طریق عوامل اجتماعی بیرونی، از قبیل حضور مراجع قدرت (پدر و مادر، مربیان) یا ترس از تنبیه برقرار می‌شود. اما در سنین بالاتر، کنترل رفتار کودکان با معیارهای درونی شده رفتار انجام می‌شود. این انتقال از عوامل بیرونی به احساسات شخصی و اعتقادات اخلاقی، «درونی ساختن» نامیده می‌شود که فرآیند اساسی در رشد اخلاقی است. مفاهیم اخلاقی کودک، طی یک توالی نامتغیر از مرحله‌ای ابتدایی، که اغلب آن را واقع‌گرایی اخلاقی می‌نامند تا مرحله رشد یافته‌تر، که غالباً از آن به عنوان نسبی‌گرایی یاد می‌کنند، تکامل می‌یابد. هیچ کس بدون عبور از مرحله واقع‌گرایی اخلاقی به مرحله نسبی‌گرایی اخلاقی نمی‌رسد. مرحله واقع‌گرایی تا سن ۱۰ سالگی اتفاق می‌افتد. کودک در مرحله واقع‌گرایی از قوانین بیرونی بی‌چون و چرا اطاعت می‌کند و قوانین بازی را غیرقابل تغییر می‌داند. کودک در این مرحله تصور می‌کند که والدین و بزرگسالان، مقدس و همه چیز بلد هستند این نگرش در مورد بزرگسالان، همراه با واقع‌گرایی اخلاقی کودک، باعث می‌شود که قوانین را غیرقابل تغییر و مقدس بدانند. مرحله بالاتر یعنی نسبی‌گرایی پس از ۱۰ سالگی رخ می‌دهد. کودکان در این سنین دیگر قوانین بازی را ثابت و مطلق تلقی نمی‌کنند. قوانین در این مرحله برای کودکان با توافقات دوجانبه قابل تغییر است. کودکان در این مرحله می‌گویند که اگر همه بازیکنان موافق باشند خود آنان هم می‌توانند قوانین را تغییر دهند.

در کلیه بازی‌ها می‌توان ردپای اخلاق و ارزش‌های اخلاقی را دید. کودک در طی بازی‌ها با بسیاری از مفاهیم از جمله خوب یا بد، حق و ناحق، راست و غلط آشنا می‌شود و بازی‌هایی که دارای مضامین اخلاقی هستند، مثل "گرگم و گله می‌برم"، "عمو زنجیر باف" و ... به پرورش و تکامل مناسبات دوستانه، اتحاد و یگانگی بین بازیکنان کمک می‌کنند و کودکان از طریق این بازی‌ها با مفاهیم اخلاقی چون دوستی، مشارکت، همکاری و مهربانی پی می‌برند هر چند گاهی بازی‌هایی وجود دارد که خشونت و پرخاشگری را دامن می‌زنند.

بازی و رشد شناختی

بازی رشد هوشی را تسریع می‌کند، در تایید این گفته مطالعاتی شده است که نشان می‌دهد کودکانی که هیچ اسباب بازی‌ای ندارند و امکانات کمی برای بازی دارند، از لحاظ شناختی از همسالان خود عقب‌ترند. علاوه بر این کودکان خانواده‌های کم‌درآمد، کمتر در بازی «نقش بازی کردن» شرکت می‌کنند تا کودکان طبقه‌ی متوسط. بنابراین، بعضی از روان‌شناسان معتقدند که یکی از دلایل اینکه کودکان طبقه کم‌درآمد پس از ورود به مدرسه با مشکلات یادگیری روبرو می‌شوند، این است که کمتر بازی می‌کنند و بازی‌هایشان چندان پیچیده نیست و نسبت به کودکان طبقه متوسط تنوع کمتری داشته است. بازی به کودک فرصت می‌دهد تا محیط، اشیاء و روابط را کاوش کند و درباره آنها چیزها بیاموزد و به حل مسئله بپردازد. بنابراین درک کودک از جهان تنها شامل ادراکات و اشیایی است که با آنها تجربه مستقیم دارد. مثلاً به طور تصادفی دست یا پایش به آویز بالای تختش می‌خورد و آن شیء به صدا در می‌آید این برخورد با شیء ناآشنا زنجیره‌ای از فعالیت‌های پی‌درپی را به دنبال دارد. یعنی او باید با جستجوی چشم، چنگ‌زدن و یا پا زدن به آن، جستجو و کاوش حرکات را تکرار می‌کند، تا به صورت یک برنامه هماهنگ عمل کرده و شیء را دوباره به صدا درآورد. کودک در حدود ۹ ماهگی شیء را می‌گیرد و در دهانش می‌گذارد او در این دوره از طریق حس چشایی خود، کاوش می‌کند و به شناخت می‌رسد. در ۱۲ ماهگی از طریق حواس لامسه، بینایی و شنوایی جستجوی خود را برای رسیدن به هدف مطلوب ادامه می‌دهد در ۱۵ ماهگی با چشم شیء را بررسی می‌کند تا حرکات جسم متحرک را پیش‌بینی کند. سپس حس لامسه به مدد او آمده و او را قادر می‌سازد تا حرکات بعدی را ادامه دهد در حدود ۲ سالگی به روابط علت و معلولی پی می‌برد و متوجه می‌شود، چنانچه بر سر عروسک فتری بکوبد حرکت خواهد کرد.

درک و شناخت کودک خردسال از جهان، پر از تعارض و تناقض است، زیرا کودک به علت محدود بودن تجاربش هنوز از استدلال و منطق بالایی برخوردار نیست و تا مادامی که کودک به تعادل نرسیده نمی‌تواند برداشت باثبات، منطقی و عینی از جهان داشته باشد. اما بازی‌ها به کودکان فرصت می‌دهند تا هر چه بیشتر در این مورد تمرین کنند.

بازی و رشد عواطف

همان‌قدر که بازی فواید شناخته شده‌ای برای زندگی بهتر کودکان دارد، فواید عاطفی نیز به همراه دارد. بازی کردن راهی برای بیان احساسات است، چرا که به کودک این شانس را می‌دهد تا هیجانات منفی چون خشم و عصبانیت را خالی کند یا مفاهیم تلخی چون مرگ، بیماری و یا جدایی را درک کند. بازی به کودک کمک می‌کند با وضعیت‌هایی مانند رفتن به مطب پزشک یا رفتن به مدرسه، کنار بیاید و بهتر برخورد کند. گاهی کودک در برخورد با چنین وضعیت‌هایی با خواهر، برادر، هم‌بازی‌هایش و یا حتی خانواده‌اش دکتر بازی می‌کند شاید هم تمام سربازان و حیوانات عروسکی‌اش را جمع کند و وانمود کند در مدرسه جلسه گرفته‌اند. بطور کلی باید گفت که علاقه به بازی اضطراب را تسکین می‌دهد و تا حدودی درمان می‌کند.

بازی به خشونت کودک اجازه می‌دهد تا تخلیه شود. به عبارتی دیگر از طریق بازی می‌تواند خشم خود را خالی کند و این امر برای او نوعی پذیرش اجتماعی محسوب می‌شود.

پیامد های محرومیت کودکان از بازی

محرومیت از بازی، زیان بخش است و سه پیامد عمده دارد که می‌توان به صورت زیر آن‌ها را عنوان کرد

۱- اگر تجربیات بازی طبیعی در طول زندگی کودک وجود نداشته باشد، احتمال بیش تری وجود دارد که کودک رفتارهای بسیار خشونت آمیز و ضداجتماعی نشان دهد، صرف نظر از جنسیت، سن، وضعیت خانوادگی، تحصیلات و درآمد

۲- آن‌ها از نظر عاطفی و اجتماعی و عاطفی سرکوب شده، جلوی احساسات خود را می‌گیرند، آمیزش و معاشرت برای آن‌ها سخت است، از تکالیف مدرسه عقب می‌مانند و خیلی زیاد در معرض خطر چاق شدن قرار می‌گیرند.



۳- کالج پزشکی بایلور در سال ۱۹۹۷ گزارش کرده که کودکانی که بازی نمی کنند، رشد مغزشان بیست تا سی درصد کم تر از اندازه ی متوسط رشد مغز در بچه های هم سن و سال آن هاست. مطالعات مربوط به محرومیت از بازی روی گونه های دیگر ثابت کرده است که آثار آن واقعاً شدید است، بروز پرخاش گری و رفتارهای عجیب و غریب و از دست دادن قدرت یادگیری رفتارهای اجتماعی .

نتیجه گیری

کودک از بازی هایی که خودش انتخاب می کند، بیش تر لذت می برد و باید حق انتخاب را به وی داد. اسباب بازی باید محرکی برای خلاقیت کودک باشد و او را به آفرینندگی و سازندگی سوق دهد و علاوه بر سرگرمی، پیام تازه برای کودک داشته باشد. کودک باید در انتخاب اسباب بازی آزاد باشد. نباید فقط یک هدف برای استفاده داشته باشد، بلکه بایستی کودک تجربیات بسیاری را یک جا در آن تجربه کند تا کاربرد صحیح و کشف کردن را از طریق آن بیاموزد. کودکی که از ابتدا در یک فضای بسته زندگی کند و با نسخه های کلیشه ای عوام تربیت شود، آینده ای جز افسردگی و پرخاش گری نخواهد داشت. همان گونه که گیاه به نور، آب و خاک قوی و مناسب برای رشد نیاز دارد، کودک نیز به آزادی، احترام و استقلال نسبی احتیاج مبرم دارد تا از این رهگذر به حقوق حقیقی خود دست یابد و به کمال برسد.

منابع

- ۱- بازی های آموزشی، مصطفی مقدم- منوچهر ترکمان ، انتشارات مدرسه، چاپ دهم.
- ۲- بازی کودکان در اسلام، محمدصادق شجاعی، مرکز پخش پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
- ۳- تربیت و بازسازی کودکان، دکتر علی قائمی، چاپ افست مروی.
- ۴- رشد و تکامل، الیزابت هارلوک ، ترجمه: مریم حیدری، انتشارات فدن، پاییز ۷۵.
- ۵- روان شناسی، دکتر سیامک رضا مهجور، چاپ هشتم، نشر ساسان، بهار ۸۳
- ۶- روان شناسی بازی، دکتر محمدعلی احمدوند، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم.

1-Goodman, J, F, (2000), "Word" versus "play" and early childhood care. Child and Youth Care Forum 23(3), 177-196.

2- Ginott Haim; D, (2008), Group psychotherapy with children, P 52 John W . Jacobson, James A Mulick and Johannes Rojahn (2007). Handbook of Intellectual and Developmental Disabilities. Issues on Clinical Child Psychology copyright, p 728.

3- Nanine A.E van Gennip, Mien S.R.Segers and Harm H.Tillema, Peer assessment for learning from a social perspective : the influence of interpersonal variables and structural features, Department of Educational Studies. University leiden, volume 4, issue 1, 2009, p 41-54.

4- Mayesky Mary; A, (2005). Creativities for young children P.p 67 Abraham; B. (2004), Hypractive in the Child Used Computer Games, P: Psychological, Vol: 23